

## کیمیا

❖ **به عنوان اولین سؤال مختصری درباره سر‌آغاز فعالیت‌های قرآنی خودتان توضیح دهید.**

– من تمام فکر و ذکرم این بود که این مردمی که پای منبرها و هیبت‌ها می‌روند چگونه می‌شود اینها با ترجمه روشن قرآن آشنا کرد. هم‌ماش منبر رفتن نباشد. من دبیر دبیرستان در زنجان بودم، به دانش‌آموزان علاقمند گفتم یک هیبت بسیار در خانه‌هایتان تشکیل بدهید. در آن هیبت سیار من یک پاراگراف از قرآن را انتخاب می‌کردم، لغات آن را می‌نوشتیم و به آنها می‌دادم تا ببرند در خانه تمرین کنند فردا بیاورند.

روز بعد در جلسه می‌برسیدم سپس ترکیب‌هایی می‌دادم و می‌گفتم اینها را ترجمه کنید بعد از اینکه ترجمه را خوب یاد گرفتند یکی دو نکته قرآنی به آنها می‌آموختم.

من این ماجرا را با مرحوم بهشتی در میان گذاشتم. ایشان پرسید چه کسانی را تربیت کردید؟ و من افرادی را نشان دادم. گفتند: من از کجا بدانم قبلاً می‌دانستند یا در کلاس شما یاد گرفته‌اند؟ یک نفر از یاران خود را انتخاب کرد و من سه ماه با او کار کردم. شهید بهشتی وقتی دید که درست است مرا به هیبت خودش برد و به همه اعلام کرد قبل از من ۲۰ دقیقه با نیم ساعت ایشان برای شما تفسیر می‌گویند و بدین ترتیب کار اولیه من اینگونه شروع شد.

البته من دبیر دینی و عربی بودم. قبل از انقلاب چند سوره از سوره‌های قرآن را به عنوان تک سوره تفسیر کردم، سوره‌های فتح، محمد، قاف، ابراهیم، یاسین و جزء سسی‌ام قرآن و اینها را به مردم دادم. بعد از انقلاب هم به این نتیجه رسیدم که ما می‌توانیم کل قرآن را تفسیر کنیم. لذا شروع به نوشتن تفسیر نسیم حیات برای مردم کردم.

❖ **شما در زمینه تفسیر فعالیت‌های زیادی داشته‌اید که برآیند آن نگارش تفسیر کل قرآن با عنوان نسیم حیات است لطفاً کمی درباره پیشینه تفسیری خود توضیح دهید.**

لازمه شناخت اسلام شناخت سندا اولیه آن یعنی قرآن است. من زمانی که قرآن می‌خواندم و آن را می‌فهمیدم حیقم می‌آمد که دیگران آن را ندانند. برای همین شروع به نوشتن تفسیر به روش آسان و به زبان همه فهم مردم کردم. از همان ابتدای کار دنبال این بودم که چطور می‌شود به مردم قرآن را با ترجمه و توضیحی مختصر یاد داد. من در نگارش نسیم حیات اکثر تفسیرها را دیده‌ام و نکته‌ها و جنبه‌های هدایتی آن را در تفسیر آورده‌ام، طوری که برای خواننده قابل فهم باشد. اخیراً کتابی را شروع کرده‌ام به نام تفسیر تربیتی و اخلاقی قرآن کریم که تفسیر جدیدی با سبک نواست که کل قرآن را شامل می‌شود ومی تواند دوستان را از تفسیر نسیم حیات بی نیاز کند و تاکنون چند جلد آن آماده شده و ممکن است جزء جزء و یا یک جا منتشر شود. من در آنجا مطالبی از تربیت و اخلاقی قرآنی گفتم‌ها تفکر برانگیز. مثلاً آیه شریفه می‌فرماید: «نحن نسبح بحمْدک و تقدس لک» فرق تقدیس و تسبیح چیست؟ فرق ذکر و تسبیح چیست؟ اینها را به طور کوتاه شرح داده‌ام.تقسیم‌بندی آن هم به این شکل است که اول ترجمه گفتاری قرآن (آزاد) بعد لغت‌نامه بعد فرق لغت‌ها و سپس تفسیر مختصر رایج تحت عنوان بیان و سپس نکته‌ها و تربیت و اخلاق قرآنی ذکر می‌شود.

❖ **در رابطه با تفسیر تربیتی و اخلاقی ممکن است کتاب‌های زیادی نوشته شده باشد، تفاوت این کتاب شما با آنها چیست؟**

– خیلی فرق می‌کند مثلاً در این کتاب گفتم‌ها وقتی خواندم می‌فرماید:

انا للفرار (من بسیار آرزمندام) این تعبیر از چه چیزی حکایت می‌کند؟ معلوم می‌شود که در جامعه ما گناهکار زیادی وجود دارد. والا اعلام نمی‌کرد من غلامم. پس معلوم است خبری هست. یا قرآن می‌گوید: الله، ولی مومنان است که آنان از ظلمات بیرون می‌آورد پس معلوم می‌شود مومنان در ظلمات هستند و ما آنها را خارج می‌کنیم. پاسخ و تحلیل چیست؟

❖ **در کار تفسیر از مفسران بزرگ هم بهره برده‌اید؟**

– من سی‌های صحبت‌های مفسران قرآن می‌نشنستم و از کتاب‌های تفسیری نیز بهره‌ای زیادی بردم. یک بار یک جزوه ۴۰ صفحه‌ای درباره اصحاب اعراف نوشتم و در آن اثبات کردم که مراد از اعراف و اعرافیان، انهمصومین(ع) هستند که حق شفاعت دارند وآنسان‌های متعالی هستند.

❖**لازمه شناخت اسلام شناخت سندا اولیه آن یعنی قرآن است. من زمانی که قرآن می‌خواندم و آن را می‌فهمیدم حیقم می‌آمد که دیگران آن را ندانند. برای همین شروع به نوشتن تفسیر به روش آسان و به زبان همه فهم مردم کردم.**

چنانکه می‌دانید در قیامت دو گروه از مردم وجود دارند: گروه بهشتی‌ها و گروه جهنمی‌ها. اما سعیدی می‌گوید «دو روزخیان برس که اعراف بهشت است» یعنی جهنمیان آرزو می‌کنند که کاش جزو اعراف بودند و اینها را گروه سوم تلقی کرده‌اند. در این جزوه گفتم که منظور از اعراف، اهل شفاعت است و می‌دانید که اعراف به جهنم مبتلی است و اعرافیان در روز قیامت در بلندی قرار می‌گیرد و ناظر بهشتیان و جهنمی‌ها هستند و اذن سخن با جهنمی‌ها را دارند و آنان را ملامت می‌کنند در حالی که کسی آنجا حق سخن ندارد. اینان افراد و الاقوامی هستندکه اذن سخن و اذن شفاعت دارند.

من این جزوه را خدمت علامه طباطبایی بردم و عرض کردم آیا امکان دارد شما در این‌باره نظر بدهید؟ ایشان با من که یک فرد معمولی بوده و هستم بسیار تواضع کردند و گفتند ده روز بعد مراجعه کنیم. سر موعد خدمتشان رسیدم و گفتند:نظر من هم همین است. این حرف خیلی بزرگی بود که در فری که شاگرد شاگرد ایشان است بیان می‌کرد آن زمان تفسیرالمیزان هنوز کامل نشده و به سوره اعراف نرسیده بود.

یادم هستت که بعدها یک فردی اعلام کرده بود که در ایران بهرامپور یک بدعتی گذاشته و قرآن را در میان عموم آورده به مردم گفته است.

شما هم می‌توانید با تفسیر آشنا شوید و قهرا تحریفات ایجاد خواهد شد.

در حالتی که خیلی از مخاطبین می‌گفتند تفسیرهای شما باعث شد ما وارد وادی تفسیر شویم و با آن آشنایی پیدا کنیم.

❖ **شما یک ترجمه تفسیری بر یک جلدی هم با نام «تفسیر مبین» ارائه داده‌اید. ویژگی آن چیست؟**

– تفسیر یک جلدی مبین روشی است که اروپایی‌ها باید از ما تقلید کنند. اگر شما بخواهید از اول بسملهٔ خلاصه بنویسید خیلی از گفتنی‌ها از قلم می‌افتد در این تفسیر یک جلدی. من مهم‌ترین نکات هر آیه را ذکر کرده‌ام. اخیراً برخی‌ها هم از این روش تقلید کرده‌اند. آنها در این فکر فقط توانسته‌اند دو نکته بگویند: آنها از اول شروع به خلاصه‌نویسی کردند ولی من تفسیر کلی کرده‌ام و سپس چکیده آن را در یک صفحه آوردم و به

❖ **خداوند ماجراهای یهود را در قرآن بیان کرده، این بیان، صرفاً بیان تاریخی نیست بلکه باید در آن تدبیر کنیم که چرا خداوند این همه از کارهای یهود سخن گفته. می‌خواهد بگوید که یهود این کارها را کرد و من خداوند بدم آمد، شما تکرار نکنید. اگر این کارها را بکنید شما هم یهودی هستید. بنابراین در اینجا روایت از کارهای مثبت و منفی اقوام سخن می‌گوید این مطالب را به ما می‌آموزد که باید آنها را بفهمیم و این همان تدبیر است. تدبیر یک بحث پیچیده نیست و معنی آن این است که بتوانیم پیام را بگیریم.**

عبارتی غریبش کرده‌ام سپس لغت‌ها را با ریشه آنها ذکر کرده‌ام. لغت‌هایی که در بالای صفحه آمده در پایین صفحه هم ذکر شده تا خواننده نیاز به جست‌وجو نداشته باشد و لذا شماره گذاشتم.البته نمی‌دانم چرا این یک مویف که ابتکاری کرده و قرآن را به فهم عموم نزدیک کرده حمایت نمی‌شود، زیرا یک انتشاراتی پیدا شده و مدعی مالکیت این تفسیر شده و جلو چاپ آن را می‌گیرند و من نمی‌دانم به کی شکایت ببرم.

❖ **تفاوت ترجمه شما با ترجمه‌های دیگر چیست؟**

– ترجمه آن در جمله ترجمه‌های رون و جالندها است و اهل فن آن را ترجمه‌ای روان دانسته‌اند. کسانی که ادیب‌ترند در ترجمه‌شان کلماتی نامأنوس را استفاده کرده‌اند که پیچیدگی دارد. من از استفاده از این‌گونه کلمات بهره‌زی می‌کنم. دقت کرده‌ام مثلاً کلماتی بکار ببرم که در میان مردم رایج است و اصطلاحات گنگ را به کار نبرم چون خود قرآن می‌فرماید ما

## گفت‌وگو

استاد ابوالفضل بهرامپور پیش از پنج دهه است که با قرآن زندگی می‌کند و این کلام آسمانی در عمق جان او نفوذ کرده و به او حیاتی دیگر بخشیده است.

حاصل سالیهای انس و کار با قرآن، ترجمه قرآن و تفسیر آن با عنوان «نسیم حیات» است. بهرامپور با نگاه کارپردی آیات قرآن را واگوی و بررسی می‌کند. نگرش او به تفسیر و ترجمه قرآن بیان قابل فهم برای عموم و قابل پذیرش برای خواص است. مشخصه بارز سبک او التزام به سادگی و روانی در گفتار و نگارش است و اعتقاد دارد که باید قرآن را به زبانی بسیار آسان به مردم معرفی و بیان کرد و این ویژگی برجسته‌ای است که کارهای او را از سایر ترجمه‌ها متمایز کرده است.

او در ترجمه قرآن به شیوه‌های تقریباً ابتکاری دست زده و آن آوردن لغات و واژه‌های آیات و معانی و ترجمه دیگری چنین ویژگی و اسست که خدمتی مهم و برجسته‌تر برای قرآن آموزان و پژوهشگران محسوب می‌شود و در هیچ ترجمه دیگری چنین ویژگی و مشخصه‌ای مشاهده نمی‌شود. وجود این واژه‌ها به همراه ترجمه، خواننده را در فهم و درک معانی، بیشتر کمک می‌کند. ماه مبارک رمضان فرصت مغتنمی بود که در ایام حضور استاد در تهران، خدمت ایشان بر سبب و از خرمن تجربیات قرآنی ایشان خوشه‌هایی بچینیم که حاصل آن گفت‌وگوی زیر است که در ادامه از نظر خوانندگان عزیز می‌گذرد.

## معارفMaaref@Kayhan.ir

البته من دبیر دینی و عربی بودم. قبل از انقلاب چند سوره از سوره‌های قرآن را به عنوان تک سوره تفسیر کردم، سوره‌های فتح، محمد، قاف، ابراهیم، یاسین و جزء سسی‌ام قرآن و اینها را به مردم دادم. بعد از انقلاب هم به این نتیجه رسیدم که ما می‌توانیم کل قرآن را تفسیر کنیم. لذا شروع به نوشتن تفسیر نسیم حیات برای مردم کردم.

❖ **شما در زمینه تفسیر فعالیت‌های زیادی داشته‌اید که برآیند آن نگارش تفسیر کل قرآن با عنوان نسیم حیات است لطفاً کمی درباره پیشینه تفسیری خود توضیح دهید.**

لازمه شناخت اسلام شناخت سندا اولیه آن یعنی قرآن است. من زمانی که قرآن می‌خواندم و آن را می‌فهمیدم حیقم می‌آمد که دیگران آن را ندانند. برای همین شروع به نوشتن تفسیر به روش آسان و به زبان همه فهم مردم کردم. از همان ابتدای کار دنبال این بودم که چطور می‌شود به مردم قرآن را با ترجمه و توضیحی مختصر یاد داد. من در نگارش نسیم حیات اکثر تفسیرها را دیده‌ام و نکته‌ها و جنبه‌های هدایتی آن را در تفسیر آورده‌ام، طوری که برای خواننده قابل فهم باشد. اخیراً کتابی را شروع کرده‌ام به نام تفسیر تربیتی و اخلاقی قرآن کریم که تفسیر جدیدی با سبک نواست که کل قرآن را شامل می‌شود ومی تواند دوستان را از تفسیر نسیم حیات بی نیاز کند و تاکنون چند جلد آن آماده شده و ممکن است جزء جزء و یا یک جا منتشر شود. من در آنجا مطالبی از تربیت و اخلاقی قرآنی گفتم‌ها تفکر برانگیز. مثلاً آیه شریفه می‌فرماید: «نحن نسبح بحمْدک و تقدس لک» فرق تقدیس و تسبیح چیست؟ فرق ذکر و تسبیح چیست؟ اینها را به طور کوتاه شرح داده‌ام.تقسیم‌بندی آن هم به این شکل است که اول ترجمه گفتاری قرآن (آزاد) بعد لغت‌نامه بعد فرق لغت‌ها و سپس تفسیر مختصر رایج تحت عنوان بیان و سپس نکته‌ها و تربیت و اخلاق قرآنی ذکر می‌شود.

❖ **در رابطه با تفسیر تربیتی و اخلاقی ممکن است کتاب‌های زیادی نوشته شده باشد، تفاوت این کتاب شما با آنها چیست؟**

– خیلی فرق می‌کند مثلاً در این کتاب گفتم‌ها وقتی خواندم می‌فرماید:

انا للفرار (من بسیار آرزمندام) این تعبیر از چه چیزی حکایت می‌کند؟ معلوم می‌شود که در جامعه ما گناهکار زیادی وجود دارد. والا اعلام نمی‌کرد من غلامم. پس معلوم است خبری هست. یا قرآن می‌گوید: الله، ولی مومنان است که آنان از ظلمات بیرون می‌آورد پس معلوم می‌شود مومنان در ظلمات هستند و ما آنها را خارج می‌کنیم. پاسخ و تحلیل چیست؟

❖ **در کار تفسیر از مفسران بزرگ هم بهره برده‌اید؟**

– من سی‌های صحبت‌های مفسران قرآن می‌نشنستم و از کتاب‌های تفسیری نیز بهره‌ای زیادی بردم. یک بار یک جزوه ۴۰ صفحه‌ای درباره اصحاب اعراف نوشتم و در آن اثبات کردم که مراد از اعراف و اعرافیان، انهمصومین(ع) هستند که حق شفاعت دارند وآنسان‌های متعالی هستند.

❖ **شما در زمینه تفسیر فعالیت‌های زیادی داشته‌اید که برآیند آن نگارش تفسیر کل قرآن با عنوان نسیم حیات است لطفاً کمی درباره پیشینه تفسیری خود توضیح دهید.**

لازمه شناخت اسلام شناخت سندا اولیه آن یعنی قرآن است. من زمانی که قرآن می‌خواندم و آن را می‌فهمیدم حیقم می‌آمد که دیگران آن را ندانند. برای همین شروع به نوشتن تفسیر به روش آسان و به زبان همه فهم مردم کردم. از همان ابتدای کار دنبال این بودم که چطور می‌شود به مردم قرآن را با ترجمه و توضیحی مختصر یاد داد. من در نگارش نسیم حیات اکثر تفسیرها را دیده‌ام و نکته‌ها و جنبه‌های هدایتی آن را در تفسیر آورده‌ام، طوری که برای خواننده قابل فهم باشد. اخیراً کتابی را شروع کرده‌ام به نام تفسیر تربیتی و اخلاقی قرآن کریم که تفسیر جدیدی با سبک نواست که کل قرآن را شامل می‌شود ومی تواند دوستان را از تفسیر نسیم حیات بی نیاز کند و تاکنون چند جلد آن آماده شده و ممکن است جزء جزء و یا یک جا منتشر شود. من در آنجا مطالبی از تربیت و اخلاقی قرآنی گفتم‌ها تفکر برانگیز. مثلاً آیه شریفه می‌فرماید: «نحن نسبح بحمْدک و تقدس لک» فرق تقدیس و تسبیح چیست؟ فرق ذکر و تسبیح چیست؟ اینها را به طور کوتاه شرح داده‌ام.تقسیم‌بندی آن هم به این شکل است که اول ترجمه گفتاری قرآن (آزاد) بعد لغت‌نامه بعد فرق لغت‌ها و سپس تفسیر مختصر رایج تحت عنوان بیان و سپس نکته‌ها و تربیت و اخلاق قرآنی ذکر می‌شود.

❖ **در رابطه با تفسیر تربیتی و اخلاقی ممکن است کتاب‌های زیادی نوشته شده باشد، تفاوت این کتاب شما با آنها چیست؟**

– خیلی فرق می‌کند مثلاً در این کتاب گفتم‌ها وقتی خواندم می‌فرماید:

انا للفرار (من بسیار آرزمندام) این تعبیر از چه چیزی حکایت می‌کند؟ معلوم می‌شود که در جامعه ما گناهکار زیادی وجود دارد. والا اعلام نمی‌کرد من غلامم. پس معلوم است خبری هست. یا قرآن می‌گوید: الله، ولی مومنان است که آنان از ظلمات بیرون می‌آورد پس معلوم می‌شود مومنان در ظلمات هستند و ما آنها را خارج می‌کنیم. پاسخ و تحلیل چیست؟

❖ **در کار تفسیر از مفسران بزرگ هم بهره برده‌اید؟**

– من سی‌های صحبت‌های مفسران قرآن می‌نشنستم و از کتاب‌های تفسیری نیز بهره‌ای زیادی بردم. یک بار یک جزوه ۴۰ صفحه‌ای درباره اصحاب اعراف نوشتم و در آن اثبات کردم که مراد از اعراف و اعرافیان، انهمصومین(ع) هستند که حق شفاعت دارند وآنسان‌های متعالی هستند.

❖ **شما در زمینه تفسیر فعالیت‌های زیادی داشته‌اید که برآیند آن نگارش تفسیر کل قرآن با عنوان نسیم حیات است لطفاً کمی درباره پیشینه تفسیری خود توضیح دهید.**

لازمه شناخت اسلام شناخت سندا اولیه آن یعنی قرآن است. من زمانی که قرآن می‌خواندم و آن را می‌فهمیدم حیقم می‌آمد که دیگران آن را ندانند. برای همین شروع به نوشتن تفسیر به روش آسان و به زبان همه فهم مردم کردم. از همان ابتدای کار دنبال این بودم که چطور می‌شود به مردم قرآن را با ترجمه و توضیحی مختصر یاد داد. من در نگارش نسیم حیات اکثر تفسیرها را دیده‌ام و نکته‌ها و جنبه‌های هدایتی آن را در تفسیر آورده‌ام، طوری که برای خواننده قابل فهم باشد. اخیراً کتابی را شروع کرده‌ام به نام تفسیر تربیتی و اخلاقی قرآن کریم که تفسیر جدیدی با سبک نواست که کل قرآن را شامل می‌شود ومی تواند دوستان را از تفسیر نسیم حیات بی نیاز کند و تاکنون چند جلد آن آماده شده و ممکن است جزء جزء و یا یک جا منتشر شود. من در آنجا مطالبی از تربیت و اخلاقی قرآنی گفتم‌ها تفکر برانگیز. مثلاً آیه شریفه می‌فرماید: «نحن نسبح بحمْدک و تقدس لک» فرق تقدیس و تسبیح چیست؟ فرق ذکر و تسبیح چیست؟ اینها را به طور کوتاه شرح داده‌ام.تقسیم‌بندی آن هم به این شکل است که اول ترجمه گفتاری قرآن (آزاد) بعد لغت‌نامه بعد فرق لغت‌ها و سپس تفسیر مختصر رایج تحت عنوان بیان و سپس نکته‌ها و تربیت و اخلاق قرآنی ذکر می‌شود.

❖ **در رابطه با تفسیر تربیتی و اخلاقی ممکن است کتاب‌های زیادی نوشته شده باشد، تفاوت این کتاب شما با آنها چیست؟**

– خیلی فرق می‌کند مثلاً در این کتاب گفتم‌ها وقتی خواندم می‌فرماید:

انا للفرار (من بسیار آرزمندام) این تعبیر از چه چیزی حکایت می‌کند؟ معلوم می‌شود که در جامعه ما گناهکار زیادی وجود دارد. والا اعلام نمی‌کرد من غلامم. پس معلوم است خبری هست. یا قرآن می‌گوید: الله، ولی مومنان است که آنان از ظلمات بیرون می‌آورد پس معلوم می‌شود مومنان در ظلمات هستند و ما آنها را خارج می‌کنیم. پاسخ و تحلیل چیست؟

❖ **در کار تفسیر از مفسران بزرگ هم بهره برده‌اید؟**

– من سی‌های صحبت‌های مفسران قرآن می‌نشنستم و از کتاب‌های تفسیری نیز بهره‌ای زیادی بردم. یک بار یک جزوه ۴۰ صفحه‌ای درباره اصحاب اعراف نوشتم و در آن اثبات کردم که مراد از اعراف و اعرافیان، انهمصومین(ع) هستند که حق شفاعت دارند وآنسان‌های متعالی هستند.

❖ **شما در زمینه تفسیر فعالیت‌های زیادی داشته‌اید که برآیند آن نگارش تفسیر کل قرآن با عنوان نسیم حیات است لطفاً کمی درباره پیشینه تفسیری خود توضیح دهید.**

لازمه شناخت اسلام شناخت سندا اولیه آن یعنی قرآن است. من زمانی که قرآن می‌خواندم و آن را می‌فهمیدم حیقم می‌آمد که دیگران آن را ندانند. برای همین شروع به نوشتن تفسیر به روش آسان و به زبان همه فهم مردم کردم. از همان ابتدای کار دنبال این بودم که چطور می‌شود به مردم قرآن را با ترجمه و توضیحی مختصر یاد داد. من در نگارش نسیم حیات اکثر تفسیرها را دیده‌ام و نکته‌ها و جنبه‌های هدایتی آن را در تفسیر آورده‌ام، طوری که برای خواننده قابل فهم باشد. اخیراً کتابی را شروع کرده‌ام به نام تفسیر تربیتی و اخلاقی قرآن کریم که تفسیر جدیدی با سبک نواست که کل قرآن را شامل می‌شود ومی تواند دوستان را از تفسیر نسیم حیات بی نیاز کند و تاکنون چند جلد آن آماده شده و ممکن است جزء جزء و یا یک جا منتشر شود. من در آنجا مطالبی از تربیت و اخلاقی قرآنی گفتم‌ها تفکر برانگیز. مثلاً آیه شریفه می‌فرماید: «نحن نسبح بحمْدک و تقدس لک» فرق تقدیس و تسبیح چیست؟ فرق ذکر و تسبیح چیست؟ اینها را به طور کوتاه شرح داده‌ام.تقسیم‌بندی آن هم به این شکل است که اول ترجمه گفتاری قرآن (آزاد) بعد لغت‌نامه بعد فرق لغت‌ها و سپس تفسیر مختصر رایج تحت عنوان بیان و سپس نکته‌ها و تربیت و اخلاق قرآنی ذکر می‌شود.

دختران دانشگاهی بودند. من به آنها نگفتم می‌خواهم به شما حجاب یاد بدهم، به آنها آیه ۵۸ سوره نور را خواندم که بچه‌های نابالغ وقتی به اتاق پدر و مادر در وقت استراحت وارد می‌شوند باید اجازه بگیرند تا مبادا آنها را در لباس خفیف ببینند.

متوجه وقتی این را می‌شود که قرآن درباره بچه نابالغ این همه حساس است. متوجه می‌شود درباره حجاب و نامحرم تا چه اندازه حساسیت دارد قرآن می‌فرماید: ولا ترضعن بالقول، زنان با نامحرمان، نرم و لطیف صحبت نکنند، الا آن در ایران ۹۰ درصد از بدحجاب‌ها، اهل نجات هستند و آدم درستی‌اند چون بعضی از آنها می‌پرسند کجای قرآن می‌گوید حجاب واجب است؟ به آنها می‌گویم همین، مایه نجات شمامست که گفتید کجای قرآن گفته؟ معنی این جمله شما این است که اگر قرآن بگوید، من قبول می‌کنم. اینها لجام نجاتند منتها ما نتوانستیم اینها را تربیت کنیم. ما در روزنامه‌ها

و رسانه‌ها نیاذهای این مسائل را برای مخاطبان تبیین کنیم.

❖ **پس به نظر شما می‌توان با آیات قرآن وضعیت فرهنگی جامعه و حجاب را سامان داد.**

–نه تنها حجاب بلکه هر چیزی را می‌توان ساماندهی کرد و اصلاح نمود. ❖ **شما پیش از سه دهه استست که در زمینه مفاهیم قرآن کار کرده‌اید. خلاصه روش تدریس مفاهیم شما چگونه است تا معلمین قرآن در این زمینه از تجربیاتتان استفاده کنند؟**

– قبل از انقلاب کسی در جلسه قرآن به من گفت فلائی، مخاطب‌های من تو با هم فرق نمی‌کنند، چه شده استست که شما هر جلسه ۳ سطر ترجمه جلو می‌روید اما من فقط در خواندن جلو می‌روم؟ گفتم شما با ماده خام کار می‌کنید یعنی افرادی که چیزی نمی‌دانند و تمام تلاش و برنامه‌ریزی شما در این صرف می‌شود که این سه سطر را بخوانید اما من ۶۰ درصد کار آموزش را در خانه به اینها تزریق کردم. لغت‌های قرآن را داده‌ام و آنها رفتند در خانه روی ترجمه و مفاهیم کار کرده‌اند لذا مخاطب‌های من ماده خام نیستند، کسانی‌اند که ۶۰ درصد از درس را قبلاً می‌دانند و کار کرده و تک‌تک لغت‌های قرآن را آموخته‌اند.

روش سقراط در آموزش این است که اول باید شاگرد را تخلیه اطلاعات کرد. من می‌آیم در کلاس، می‌گویم لغت‌ها را معنی و عبارت‌ها را ترجمه کنید، بعد می‌گویم دوبه دو تقسیم بشوید و فلان پاراگراف را معنی کنید آنها باید معلومات خود را بدون کمک گرفتن از استاد، خرج کنند به از ترتیب دیدم ۷۰ درصد مشکل را حل کردند، من می‌گویم شاگرد خودش هم خبیر ندارد که من در خانه به آنها زحمت داده‌ام پس اساس روش من

چه بنده اعلائی است. این سلیمان همان است که: «نه آوَاب» او زود توبه می‌کند. پیغمبر ما این نکته‌ها را دریافت کرد و به کار بست و حتی پیغمبر خدا در جنگ احد زخمی کردند یکی از اصحاب به پیامبر(ص) عرض کرد یا رسول‌الله چرا آنها را نفرین نمی‌کنی تا خدا آنان را هلاک کند؟ پیامبر این را می‌فرماید (ص) که مخاطب، با مثال پشنه مطلب را می‌فهمد از آوردن آن مثال ای نمی‌کنم. شما دنبال این باشید که خوب بفهمانید فرق است بین اینکه ما مطلب عامیانه بگوییم تا اینکه مطلب را عامیانه بگوییم تا قابل فهم باشد. ما باید متن قرآن و نهج‌البلاغه را طوری بیان کنیم که همه بفهمند و این کار را برای معلم سخت می‌کند و باید تلاش بیشتری بکار برد. چون قرآن می‌فرماید لتبین للناس. این برای قرآن مردم است نه برای محافل علمی و خاص.

❖ **در ترجمه متون دینی خصوصاً قرآن و نهج‌البلاغه، صاحب‌نظران معتقدند که اگر بخواهید ترجمه‌ای دقیق ارائه دهید، روان نخواهد بود. آیا شما هم همین نظر را دارید؟**

– بنده اتفاقاً این کار را کرده‌ام و سعی کرده‌ام هم روان و هم دقیق باشد. این نکته را باید در نظر داشت که هر کسی که در ادبیات متبحر باشد ولو استاد من باشد نمی‌تواند دست به ترجمه قرآن بزند چون ترجمه، نیاز به تفسیر دارد. برخی‌ها از چند ترجمه قرآن یک ترجمه جدید استخراج می‌کنند و به بازار عرضه می‌کنند در حالی که این درست نیست و مترجم خودش باید دستي در تفسیر داشته و صاحب‌نظر باشد.

مردم این متن را مفرد ترجمه می‌کنیم اما در نهج‌البلاغه، خواننده می‌خواهد بداند این جمله چه گفته، که البته من ترجمه نهج‌البلاغه را شروع کرده‌ام و به نظر خود یک ترجمه مفهوم و روان است و طبعاً کار زیادی می‌برد. ❖ **برای توسعه و ترویج تفسیر کوتاه و قطره‌ای قرآن در میان آسان قرآن را برای مردم تبیین کنیم.**

مثلاً وقتی قرآن می‌گوید: «وما رزقناهم یفتقون» یعنی از آنچه روزی‌شان کردیم انفاق می‌کنند، یعنی آنچه ما به آنان داده‌ام، درحالی که آنچه ما از طریق حرام به‌دست آورده‌ام شامل آیه و مما رزقناهم نمی‌شود، خدا آن حرام را روزی ما نکرده بلکه ما خودمان از راه حرام آن

مردم از قرآن لذت ببرند و در آن تدبر نمایند. ❖ **از نظر شما انفاق انسان و لبت برنمان از قرآن چیست؟**

– من اخیراً به این نتیجه رسیده‌ام که اگر بخواهیم مردم از قرآن لذت ببرند در مردم عطش قرآن و فهم معارف آن ایجاد شود باید نکات ریز و آسان قرآن را برای مردم تبیین کنیم.

مثلاً وقتی قرآن می‌گوید: «وما رزقناهم یفتقون» یعنی از آنچه روزی‌شان کردیم انفاق می‌کنند، یعنی آنچه ما به آنان داده‌ام، درحالی که آنچه ما از طریق حرام به‌دست آورده‌ام شامل آیه و مما رزقناهم نمی‌شود، خدا آن حرام را روزی ما نکرده بلکه ما خودمان از راه حرام آن

❖ **من به این نتیجه رسیده‌ام که اگر بخواهیم مردم از قرآن لذت ببرند و در مردم عطش قرآن و فهم معارف آن ایجاد شود باید نکات ریز و آسان قرآن را برای مردم تبیین کنیم.**

❖ **شما به این نتیجه رسیده‌ام که اگر بخواهیم مردم از قرآن لذت ببرند و در مردم عطش قرآن و فهم معارف آن ایجاد شود باید نکات ریز و آسان قرآن را برای مردم تبیین کنیم.**

❖ **شما به این نتیجه رسیده‌ام که اگر بخواهیم مردم از قرآن لذت ببرند و در مردم عطش قرآن و فهم معارف آن ایجاد شود باید نکات ریز و آسان قرآن را برای مردم تبیین کنیم.**

❖ **شما به این نتیجه رسیده‌ام که اگر بخواهیم مردم از قرآن لذت ببرند و در مردم عطش قرآن و فهم معارف آن ایجاد شود باید نکات ریز و آسان قرآن را برای مردم تبیین کنیم.**

❖ **شما به این نتیجه رسیده‌ام که اگر بخواهیم مردم از قرآن لذت ببرند و در مردم عطش قرآن و فهم معارف آن ایجاد شود باید نکات ریز و آسان قرآن را برای مردم تبیین کنیم.**

❖ **شما به این نتیجه رسیده‌ام که اگر بخواهیم مردم از قرآن لذت ببرند و در مردم عطش قرآن و فهم معارف آن ایجاد شود باید نکات ریز و آسان قرآن را برای مردم تبیین کنیم.**

❖ **شما به این نتیجه رسیده‌ام که اگر بخواهیم مردم از قرآن لذت ببرند و در مردم عطش قرآن و فهم معارف آن ایجاد شود باید نکات ریز و آسان قرآن را برای مردم تبیین کنیم.**

❖ **شما به این نتیجه رسیده‌ام که اگر بخواهیم مردم از قرآن لذت ببرند و در مردم عطش قرآن و فهم معارف آن ایجاد شود باید نکات ریز و آسان قرآن را برای مردم تبیین کنیم.**

صفحه ۶

یک‌شنبه ۱۳ تیر ۱۳۹۵

۲۷ رمضان ۱۴۳۷ – شماره ۲۱۳۸۲

❖ **شهید بهشتی به من فرمود: من دبیر بودم و در دبیرستان دین و دانش قم تدریس می‌کردم. در آن زمان دبیرانی که سوادشان زیاد بود یا سابقه‌شان بیشتر بود، ۱۸ ساعت موظفی داشتند بقیه اضافه کار بود. من به آنها گفتم ۱۸ ساعت درس من را زبان انگلیسی بگذار، بقیه را از تعلیمات دینی و غیره جزو اضافه کار قرار بدهید. بعد فرمود: من دانی چرا من این کار را کردم؟ برای اینکه می‌خواستم آن حقوقی که از دولت می‌گیرم در مقابل تعلیم دین نباشد، در ازای آموزش زبان باشد.**

ادعای غیب‌دانی و غیب‌گویی می‌کند او را تکذیب کنید و باور نکنید. وقتی به قرآن باز می‌کنند و مثلاً می‌گویند طبق قرآن ازدواج شما با فلائی خوب است این فرد غیب می‌گوید. خدا غیب را به پیامبر می‌گوید نه به هر کس دیگر. از کجا معلوم که آن شخصی قرآن را درست فهمیده؟ من این روش را قبول ندارم که هر کسی قرآن را باز کند و از غیب چیزی بگوید. در ازدواج که گفته‌اند اصلاً استخاره نکنید. پس تحقیق برای چیست؟ روش استخاره به این ترتیب است که شما برای هر کاری که در آن

حیرت دارید و دودل هستید دو رکعت نماز استخاره می‌خوانید و پس از سلام به سجده می‌روید و ۱۰۰ بار می‌گویید: استخیرالله برحمته خیره فی‌العافیة، یا به فارسی می‌گویید: خدایا من از رحمت تو خیر می‌خواهم، بعد درباره موضوع مد نظر، یا دو سه نفر مشورت می‌کنید، خدای تعالی، قلب آنها نظر درست را القا می‌کند و به شما می‌رساند. با این کار شما هم توسل کردید و هم توکل و هم مشورت.

❖ **بسیاری اینکه خانواده‌ها ما خانواده قرآنی باشد چه راهکاری پیشنهاد می‌کنید؟**

– در وهله اول ما باید خودمان قرآنی باشیم و اعضای خانه ببینند که مسا در فضا و علسن داریم به قرآن عمل می‌کنیم. همین روش عملی، آنان را به قرآن رغبتی می‌کند. باید با بچه‌ها روی مسائل اعتقادی کار کرد. الان کتاب‌هایی مثل تبییه‌العالمین از مد افتاده. این کتاب تاثیر فراوانی در قرآنی شدن من داشته است. در این کتاب آمده که در ته جنم زندگانی به آدم نیش می‌زند که از تلخی آن به مواد مذاب جهنم پناهانده می‌شود. همین‌ها ما را دوینبگی می‌کنند. من نقد دارم کتاب‌های شیخ عباس قمی را به زبان امروزی بنویسم و در نگارش نسیم حیات هم از کتاب‌های ایشان بهره‌های زیادی بردم.

❖ **شما با بزرگانی چون شهید باهنر و شهید بهشتی و شهید مطهری ارتباط داشته‌اید. بیان خاطراتی از آنها برای خوانندگان ما جذاب خواهد بود.**

– خاطراتی که از مرحوم بهشتی دارم خاطراتی دست اول و استثنایی است. چون فقط من بودم و او بود و کسی از خانواده محترم‌ش هم آنجا نبود. بین ما سوال و جواب رد و بدل می‌شد. ایشان روزهای چهارشنبه در منزل خود درس‌های عقاید می‌گفت. من کتاب شناخت ایشان را تقریر و جمع‌بندی کردم، یک بار به ایشان شنیدم مرا به اصفهان دعوت کرده‌اند و بولی می‌دهند، نظر شما چیست؟ من می‌دانستم گرفتن این بول بلامعن است ولی می‌خواستم نظر ذوقی ایشان را بدانم. ایشان مفضل با من صحبت کرد و گفت: آن چند نفری که مرادم را جمع کرده‌اند و هزینه می‌کنند تا مرادم را جمع کنند، آنها تو را دعوت کرده‌اند؟ گفتم بله. گفت باید آنها را هدایت کنی. گفتم چطور؟ گفت وقتی به آنها بگویی که من از شما



بول نمی‌گیرم برای اینکه شما هم بول نمی‌گیرید این کلام به آنها انرژی ده برابر می‌دهد.

بعد گفت: من دبیر بودم و در دبیرستان دین و دانش قم تدریس می‌کردم. در آن زمان دبیرانی که سوادشان زیاد بود یا سابقه‌شان بیشتر بود، ۱۸ ساعت موظفی داشتند بقیه اضافه کار بود. من به آنها گفتم ۱۸ ساعت درس من را زبان انگلیسی بگذارید، بقیه را از تعلیمات دینی و غیره جزو اضافه کار قرار بدهید. بعد فرمود: من دانی چرا من این کار را کردم؟ برای اینکه می‌خواستم آن حقوقی که از دولت می‌گیرم در مقابل تعلیم دین نباشد، در ازای آموزش شرا باشد، اضافه کاری که از بابت تدریس تعلیمات دینی می‌گرفتم یا پولش را نمی‌گرفتم یا آن را در یک جایی مثل امور ترویج دین خرج می‌کردم. این خاطره را فقط من و شهید مطهری می‌دانستیم و هیچ کس حتی شهید باهنر هم نمی‌دانست.

زمانی پیش از انقلاب من و شهید بهشتی به پارک شهر می‌رفتم. من نمی‌دانم ایشان برای چه به آنجا می‌رفت می‌گفتم آقای بهشتی! الان که تظاهرات دارد برگزار می‌شود شما چرا نماز جمعه را برپا نمی‌کنید؟ گفت: انسان نباید نماز و دین را تحریف کند. ما اگر نماز جمعه را بخوانیم بکنند و حتماً باید در دوره ابتدایی به فکر ترجمه نباشند. در دوره ابتدایی باید قرآن همانند زبان مادری، آموزش داده شود، بعد از کلاس سوم، آیات آسان را به دانش‌آموز یاد بدهند.

❖ **شما به این نتیجه رسیده‌ام که اگر بخواهیم مردم از قرآن لذت ببرند و در مردم عطش قرآن و فهم معارف آن ایجاد شود باید نکات ریز و آسان قرآن را برای مردم تبیین کنیم.**